

بر اساس داستانی به قلم

## جی.کی.رولینگ

جان تیفانی و جک ثورن

نمایش‌نامه‌یی از جک ثورن

نخستین اجرا توسط

سونیا فریدمن پروداکشنز، کالین کلندر و

شرکت تولید نمایشی هری پاتر

نمایشنامه رسمی نمایش اصلی وست اند

نمایشنامه نهایی کامل و معتبر

ترجمه‌ی ویدا اسلامیه



کتابسرای تندیس

## فهرست

گفتگو درباره‌ی خوانش نمایشنامه / ۱۵

**بخش اول / ۲۱**

پرده‌ی اول / ۲۳

پرده‌ی دوم / ۱۱۵

**بخش دوم / ۱۱۹**

پرده‌ی سوم / ۲۰۱

پرده‌ی چهارم / ۲۸۵

شجره‌نامه هری پاتر / ۳۵۵

هری پاتر: رویدادنگاری / ۳۵۷

درباره‌ی تولید اثر / ۳۶۳

زندگی‌نامه‌ی عوامل اصلی داستان / ۳۷۷

سپاسگزاری / ۳۸۴

## پرده‌ی اول، صحنه‌ی اول

کینگز کراس

ایستگاهی شلوغ و پر رفت و آمد. پراز مردمی که می‌خواهند به جایی بروند. وسط جمعیت پرتکاپو، دو قفس بزرگ روی دو چرخ‌دستی پراز وسایل، لقلق می‌خورند. دو پسر بچه به نام‌های جیمز پاتر و آلبوس پاتر چرخ‌ها را جلو می‌برند و مادرشان جینی پشت سرشان است. هری سی و هفت ساله، دخترش لی‌لی را روی شانه‌هایش نشانده است.

آلبوس: بابا. جیمز هی می‌گه.

هری: جیمز، اذیتش نکن.

جیمز: فقط گفتم ممکنه تو اسلیترین بیفته. خب ممکنه بیفته دیگه... (پس از چند غره‌ی پدرش) باشه.

آلبوس: (با نگاهی به مادرش) برام نامه می‌نویسین دیگه؟

جینی: اگه بخوای، هر روز برات نامه می‌فرستیم.

آلبوس: نه، هر روز که نه. جیمز می‌گه خیلی‌ها ماهی یه نامه برایشون می‌آد. من نمی‌خوام...

۲۶ / هری پاتر و فرزند نفرین شده (ویراست دوم)

هری: ما هفته‌یی سه تا نامه برای برادرت می‌فرستادیم.

آلبوس: راست می‌گین؟ جیمز!

آلبوس نگاه اتهام‌آمیزی به جیمز می‌اندازد.

جینی: بله. لازم نیست همه‌ی چیزهایی رو که درباره‌ی هاگوارتز بهت می‌گه، باور کنی. برادرت می‌خواد سربه‌سرت بگذاره.

جیمز: (با خنده‌یی به پهنای صورتش) می‌شه لطفاً همین الان بریم؟

آلبوس اول به بابا و بعد به مامانش نگاه می‌کند.

جینی: تنها کاری که باید بکنیم اینه که یک‌راست بریم تو دیوار بین سکوی نه و ده.

لی‌لی: من خیلی هیجان‌زده‌م.

هری: مکث نکن و از این نترس که یه وقت ممکنه به دیوار بخوری، این خیلی مهمه. اگه نگرانی، بهترین کار اینه که به سمت دیوار بدوی.

آلبوس: من آماده‌م.

هری و لی‌لی دست‌شان را روی چرخ‌دستی آلبوس می‌گذارند — جینی با جیمز همراه می‌شود — و همه‌ی خانواده با هم، دوان‌دوان به داخل دیوار

می‌روند.

## پرده‌ی اول، صحنه‌ی دوم

### سکوی نه و سه چهارم

صحنه آکنده از بخار سفید برخاسته از قطار سریع‌السیر هاگوارتز. و شلوغ و پر از دحام — اما به جای افرادی که با کت و شلوارهای شیکی در بی کارهای روزانه می‌رفتند، پر از جادوگرها و ساحره‌هایی که اغلب ردا به تن دارند و خود را برای خداحافظی با فرزندانشان آماده می‌کنند.

آلبوس: پس این جاست.

لی‌لی: واای!

آلبوس: سکوی نه و سه چهارم.

لی‌لی: پس اونا کجان؟ میان این‌جا؟ نکنه نیان؟

هری با اشاره‌ی دستش، رون، هرمیون و دخترشان رز را نشان می‌دهد.

لی‌لی به سرعت به سمت‌شان می‌دود.

دایی رون. دایی رون!!!

رون به سمت‌شان برمی‌گردد و لی‌لی را که با سرعت به سویش می‌دود، از

زمین بلند کرده، در بغل می‌گیرد.